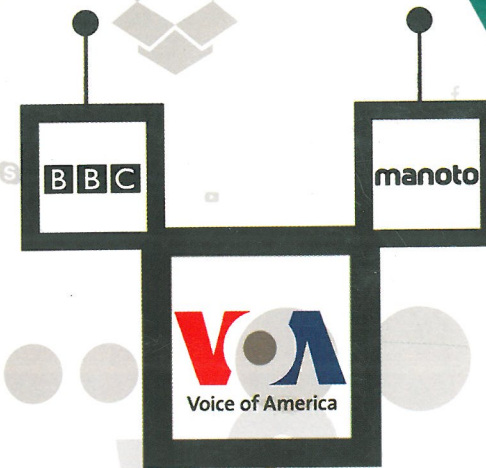
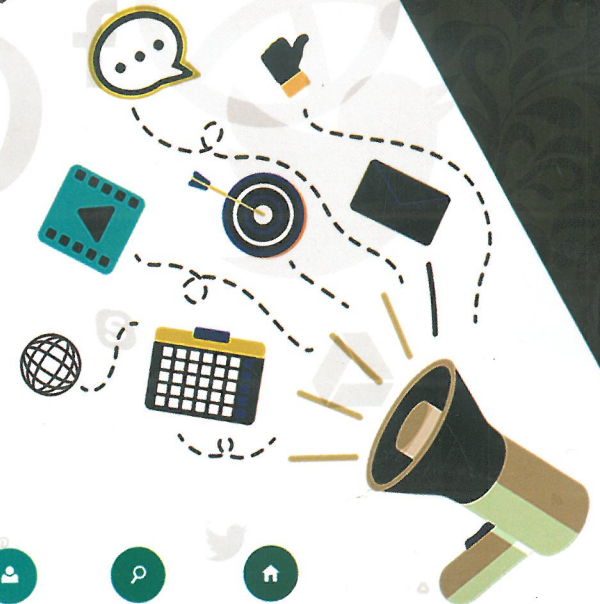


بررسی شبکه های ماهواره ای
فارسی زبان در موضوع
افزایش جمعیت



شماره ۲:
شبکه صدای آمریکا





آمریکا به عنوان دولتی که در جمیع امور برای خود قرائتی استثنایی قائل است و خود را ابر قدرت جهان دانسته و به سایر دول از منظر کارت های بازی می نگرد، امروزه در عرصه رسانه شاید قدرتمندترین بازیگر صحنه بین الملل قلمداد گردد؛ بازیگری که یکی از مهمترین نقش های آن را شبکه ی جهانی و چند زبانه صدای آمریکا (VOA) بر عهده دارد. صدای آمریکا یکی از شبکه های دولتی ایالات متحده آمریکا است که برای شنوندگان خارج از آمریکا پخش می شود.



ریشه پیدایش VOA به میانه های جنگ جهانی دوم یعنی آن زمان که زبان انگلیسی به منظور تحکیم روحیه محور پاریس- لندن در مقابله با هیتلر، مورد برنامه ریزی رسانه ای قرار گرفته شده بود، بر می گردد.

پیشینه صدای آمریکا به ۱۹۴۲ میلادی بر می گردد. این رسانه دارای بخش رادیویی و تلویزیونی به ۲۵ زبان و بخش منحصراً رادیویی به ۴۶ زبان می باشد.





بافزونی یافتن اهمیت انقلاب اسلامی و بالاخص ملموس شدن امکانات بالقوه‌ی موجود در صدور تفکر انقلاب اسلامی، دولت ایالات متحده شبکه خبری صدای آمریکا را به سمت ایران هدایت نمود و برنامه‌های بخش فارسی صدای آمریکا برای نخستین بار در آذرماه سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به صورت رادیویی برای روزی نیم ساعت پخش گردید.

این هدایت رسانه‌ای که متناسب با افزایش قدرت داخلی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی توسعه یافت، در نهایت در مهرماه سال ۱۳۷۵ هجری شمسی منجر به آغاز فعالیت رسمی بخش تلویزیون فارسی صدای آمریکا (VOA) گردید.



در این نوشتار سعی شده تا مباحث اصلی و رویکرد شبکه صدای آمریکا در مورد افزایش جمعیت ایران جمع آوری شود.
در ابتدا جهت اطلاع خوانندگان محترم شناسنامه این شبکه را مروری اجمالی می‌نمائیم.

مدیران



احمد رضا بهارلو



کامبیز محمودی

مدیران سابق

الکس بلیدا



رامین عسگرد



مدیران فعلی

ستاره درخشش

یکی از گویندگان قدیمی و مدیر فعلی بخش فارسی صدای آمریکا است. پدر وی محمد درخشش در دوران محمدرضا شاه پهلوی، برای مدتی سمت وزیر آموزش و پرورش را در دست داشت. او دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه سوربن پاریس است.



محمد منظرپور

وی پیش از این سردبیر منطقه‌ای بی بی سی فارسی در واشینگتن بود. او پیش از آمدن به واشینگتن همچنین به مدت سه سال در اورشلیم مدیر منطقه‌ای بی بی سی فارسی بوده است. منظرپور کار خود را به طور رسمی از ماه ژوئن ۲۰۱۳ به عنوان سردبیر بخش فارسی صدای آمریکا آغاز کرد.





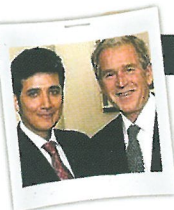
احمد باطبی

خبرنگار، نویسنده و تهیه‌کننده بخش فارسی صدای آمریکا؛ در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی به دنبال وقایع هجده تیر به دلیل نقشی کلیدی در رهبری اعتراضات به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت شد. بدلیل عکسی که از او در روی جلد مجله "اکومونیست" در حین اعتراضات منتشر شد، وی تبدیل به نمادی برای شورش‌های دانشجویی شده است. سرانجام در سال ۱۳۸۷ از ایران فرار کرد. او سابقه همکاری با نشریات و وب سایت‌های بخارا، روز آنلاین و رادیو زمانه را داشته است.



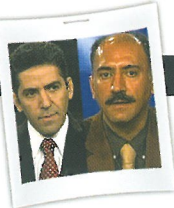
آرش سیگارچی

خبرنگار و تهیه‌کننده صدای آمریکا؛ در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی به دلیل جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی محکوم به ۱۵ سال زندان شد. یک سال پس از آغاز محکومیت به دلیل ابتلا به سرطان دهان به مرخصی رفت و در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی به آمریکا گریخت.



کامیار و آرش علایی

تهیه‌کننده، مجری و کارشناس صدای آمریکا؛ برادران علایی در ۳ تیر ۱۳۸۷ دستگیر شدند. پس از آزادی در سال ۱۳۹۰ به آمریکا رفتند و بعد از آن در تلویزیون دولتی صدای آمریکا مشغول به فعالیت شدند.



کوروش صحتی

تهیه‌کننده و گزارشگر بخش فارسی صدای آمریکا؛ عضو شورای نویسندگان هفته‌نامه هویت خویش و دبیر سرویس سیاسی روزنامه گزارش روز در ایران بود که هر دو توقیف شده‌اند. کوروش صحتی از فعالان و زندانیان سیاسی اتفاقات ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به شمار می‌رود. وی سال ۱۳۸۳ و پس از چند دوره زندان از ایران خارج شد.



مهدی فلاحتی

تهیه‌کننده و مجری صدای آمریکا؛ وی اولین کسی بود که پس از "آمدنیوز" پرونده سعید طوسی را رسانه‌ای کرد.





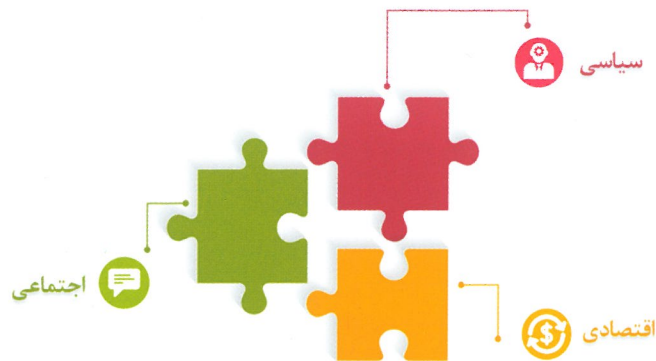
رسانه به همان میزان که فرصت است، تهدید نیز قلمداد می گردد؛ زیرا که عالم رسانه مفهوم اراده ملی، حاکمیت سرزمینی و مرزهای جغرافیایی را تعریف و این فرصت را در اختیار دشمن قرار می دهد که بدون آوردن قشون خود، بر سرزمین فکر و عقاید جوامع هدف تاخته و قلوب و اذهان ایشان را به تصرف خویش درآورند.



افزایش جمعیت ایران یکی از مسائلی بود که آمریکایی ها به شدت نگران آن بودند. به همین دلیل زمانی که بحران کاهش جمعیت برای مسئولین دلسوز جمهوری اسلامی خصوصا امام خامنه ای (مدظله العالی) تبدیل به دغدغه شد آمریکایی ها همه قوای خود را بکار بردند تا جامعه ایرانی را در مقابل سیاستمداران خود قرار دهند.

این مسأله به یکی از سوژه های داغ این تلویزیون دولتی تبدیل گشت تا دقیقا مثل دولت انگلستان و شبکه متبوعش که با افزایش جمعیت ایران در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مقابله کرد، عمل کند و متحدانه منافع ایالات متحده و دولت های هم پیمانش را پیش ببرد.

تمرکز و هماهنگی محتوایی شبکه های معاند، این مسأله را نشان می دهد که همه این شبکه ها از اتاق عملیات واحد دستور می گیرند و جایی در حال هماهنگ کردن آن هاست.



کشورهای تشکیل دهنده نظام سلطه، با اعمال نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی و استخدام و هدایت این نهادهای ارزش‌گذار در سطح جهان، هم‌زمان با اعمال مشوق‌های جمعیتی برای جوامع خود، با راهبری این مجامع بین‌المللی، سیاست مدیریت و کاهش جمعیت کشورهای به اصطلاح بلوک شرق و علی‌الخصوص مسلمان را دنبال کرده و می‌کنند. ایران اسلامی یکی از بارزترین قربانیان این سیاست‌های دوگانه جمعیتی است.

وقتی در سال ۱۳۷۲ شمسی (۱۹۹۴م) قانون جامع تنظیم خانواده در ایران تصویب و با تمام قوا اجرا می‌شد، متولیان و مجریان اصلی این قانون با استقبال گسترده و تشویق‌های هیجان برانگیز نهادهای بین‌المللی روبرو شدند تا جایی که چندین جایزه بین‌المللی جمعیتی به برخی از اساتید دانشگاهی و مدیران دولتی مجری این قانون اعطا گردید.

تقدیرهای بی دریغ و اعطای جوایز از سوی جمعیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ و سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۰ به دکتر سیدعلیرضا مرندي به عنوان یکی از اصلی‌ترین مجریانی که توانست جمعیت ایران را کنترل کند و از افزایش آن جلوگیری نماید یکی از اقدام‌های جبهه استکبار در حمایت از انقراض نسل ایرانیان است.

اما وقتی که در سال ۱۳۹۳ شمسی (۲۰۱۵م) هم‌زمان با اجرای قوانین حمایتی جمعیت و خانواده در غرب، جمهوری اسلامی ایران نیز، سیاست‌های جمعیتی گذشته خود را تغییر داد و به دنبال توقف سیاست تحدید نسل برآمد، فریاد اعتراض و اعلان خطر همان کشورها و مجامع بین‌المللی بلند شد و سعی کردند تا جامعه ایران را از نظر سیاسی نسبت به این مقوله مهم و حیاتی منصرف کنند.

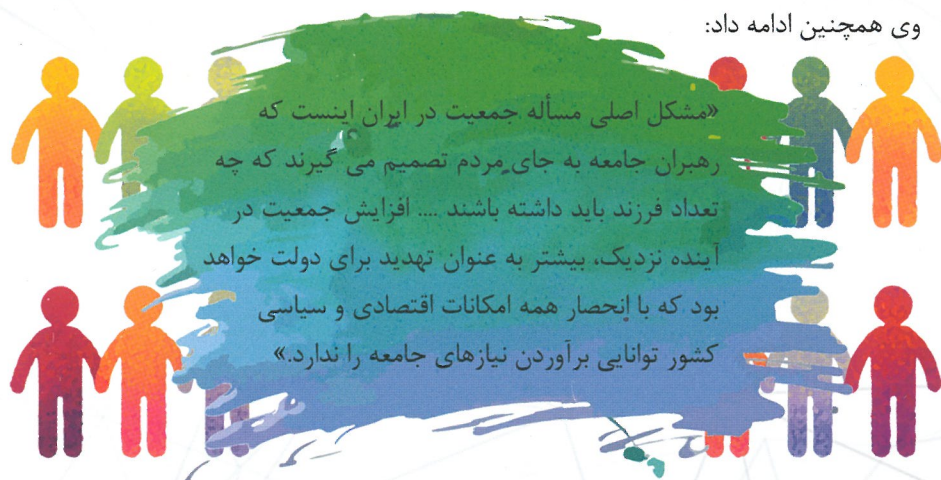
با رصدی که از شبکه صدای آمریکا صورت گرفت، مشخص شد مهمترین شبهات سیاسی این شبکه علیه مسأله جمعیت عبارت است از:



بخش فارسی تلویزیون دولتی "صدای آمریکا" در برنامه "روی خط" که یک برنامه مخاطب محور است به مسأله افزایش جمعیت در ایران پرداخت. "عسل رحمانی" با تهیه گزارشی در ابتدای این برنامه مطرح کرد:

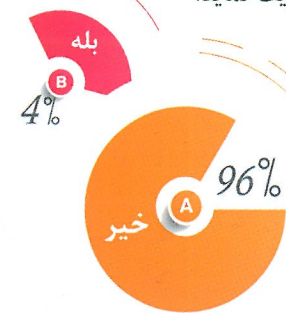
«ترخ افزایش جمعیت در ایران در دهه شصت خورشیدی به بالاترین نرخ رشد جهانی رسید بدون آنکه برنامه مدونی برای تأمین نیازهای جمعیت جوان صورت گرفته باشد. نیازهای اساسی نظیر مسکن، امکانات بهداشتی، تحصیلی، کار و دیگر نیازهای زندگی، بعد از رشد جمعیت در دهه شصت و بروز مشکلات متعدد نرخ رشد جمعیت کاهش یافت. اینک بار دیگر رهبر جمهوری اسلامی خواهان دو برابر شدن جمعیت ایران شده و تأکید کرده است که جمعیت کشور باید دست کم به ۱۵۰ میلیون نفر برسد.»

وی همچنین ادامه داد:





برنامه افق با اجرای "سیامک دهقانپور" در ابتدا با نشان دادن نظر سنجی که از مخاطبین صدای آمریکا در مورد سیاست های جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت صورت داده بود، به بطور مفصل به بحث افزایش جمعیت در ایران پرداخت. در این ویژه برنامه با دعوت از کارشناسان معارض جمهوری اسلامی سعی شد تا مقوله افزایش جمعیت ایران را به نفع ایالات متحده مدیریت نماید.



آنا یا سیاست جدید جمهوری اسلامی
برای افزایش جمعیت موافقت دارد



"علی طائفی"، جامعه شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی از استکهلم، پایتخت سوئد طی تماس اسکایپی که با این برنامه ارتباط برقرار کرده بود گفت: «طرح افزایش جمعیت با رویکرد نگاه "امت اسلامی" است. همیشه نگاه فیزیکی و مکانیکی در افزایش جمعیت پس از انقلاب وجود داشته است. هر چه میزان امت شیعه افزایش پیدا کند یک مزیت رقابتی در عرصه بین المللی برای ایران به حساب می آید.»



"آرش سیگارچی"، مجری و تهیه کننده صدای آمریکا هدف از افزایش جمعیت در ایران را اجرای طرح ایدئولوژیک توسط رهبر ایران در منطقه معرفی کرد. مجری تلویزیون دولتی ایالات متحده در یک ویژه برنامه تحلیلی که علیه مسأله جمعیت پخش می شد؛ گفت: «دغدغه مقام های حکومتی بیشتر از اینکه یک دغدغه جمعیتی و توسعه باشد بیشتر، مسائل مذهبی است. زمانی که آقای علم الهدی، امام جمعه مشهد اعلام می کند که چرا سنی ها بیشتر از شیعیان هستند؟؛ وقتی چنین مسائلی مطرح می شود برخی نگران می شوند و می گویند که اگر فقط مسأله، ایدئولوژیک باشد و کار علمی انجام نشود تبعاتش را مردم باید بدهند.»



دکتر "جلال ایجادی"، استاد دانشگاه جامعه شناسی در فرانسه و کارشناس محیط زیست و اکولوژی با حضور در تلویزیون صدای آمریکا به تحلیل افزایش جمعیت در ایران پرداخت و گفت:

«اگر هدف از طرح افزایش جمعیت، هدف ایدئولوژیک و مذهبی است و هدف از این طرح مقابله کردن با حضور زنان در جامعه، مخالفت کردن با برابری آزادی زنان و یا اهدافی مانند برتری شیعیان نسبت به سنی ها و یا اهداف جاه طلبانه ایدئولوژیکی در ارتباط با منطقه باشد، اینگونه تفکرات کاملاً ناصحیح و نابجا است.»
وی در پایان گفت:

«انگیزه مسئولین جمهوری اسلامی از طرح افزایش جمعیت در ایران یک انگیزه ایدئولوژیک و مذهبی است.»

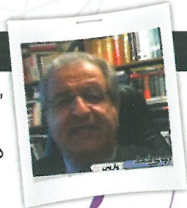


"رویا ملکی"، تهیه کننده و گزارشگر صدای آمریکا با ایدئولوژیک جلوه دادن طرح افزایش جمعیت در ایران چنین گزارش داد: «به دنیا آوردن هر چه بیشتر بچه، دل مشغولی دولتمردان ایران است. این دل مشغولی از زمانی بیشتر شده که رهبر ایران گفته است سیاست های کنترل جمعیت ۲۰ سال گذشته غلط بوده و جمعیت ایران باید به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر برسد. روحانیون پای هر منبری و از هر راهی مردم را تشویق به زاد و ولد بیشتر می کنند».

در ادامه گزارش، سخرانی آقای دانشمند پخش شد که می گفت: «الان مشکلی که ما در جامعه داریم این است که سنی ها در مرزهای ایران و تمام شهرهای سنی نشین دارند جاذبه می گیرند از سعودی و پاکستان و پول برایشان ارسال می شود که زن بگیرند، دوقلو دوقلو بزنند که آمار سنی ها در این مملکت از شیعیان بالاتر رود و بر عکس اینجا شیعه یکی یکی برود و لوله اش را ببندد که بچه دار نشود».

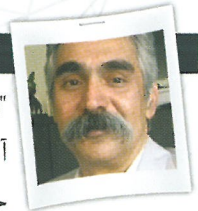
رویا ملکی در پایان، گزارش داد:

«نظام ایران از کاهش جمعیت نگران است. به همین دلیل سیاست های تشویقی جدیدی پیش گرفته است. با این همه در باغ سبز نشان دادن ها به هزار و یک دلیل به نظر می رسد که ایرانیان مثل گذشته به دنبال این نیستند که خانواده بزرگ داشته باشند».



"جلال ایجادی" در یکی از قسمت های برنامه "روی خط" صدای آمریکا دغدغه جمهوری اسلامی از افزایش جمعیت را چنین تعبیر کرد و گفت:

«اینکه رهبر ایران مطرح می کند که جمعیت باید به ۱۵۰ میلیون برسد جز یک نگاه ایدئولوژیک و دینی چیز دیگری نیست و این امر ناظر بر رقابت جویی که دولت ایران نسبت به کشورهای سنی منطقه می باشد و این مسأله را خودشان بارها مطرح کرده اند که شیعیان باید جمعیت بیشتری داشته باشند و این از طریق بالا رفتن نرخ باروری به وجود خواهد آمد».



«بیژن بیدآباد»، اقتصاددان که به عنوان کارشناس با برنامه «افق» صدای آمریکا به صورت تلفنی از تهران ارتباط برقرار کرده بود، هدف از افزایش

جمعیت در ایران را افزایش سپرهای انسانی برای حفاظت از حکومت

توصیف کرد و مدعی شد: «در ایام جنگ یکی از فرماندهان سپاه نظریه موج انسانی را مطرح کرد. یعنی ما باید این قدر سرباز بفرستیم تا همه از روی جنازه یکدیگر رد شوند تا بتوانیم تصرفی در عراق داشته باشیم. این ها اشتباهات فکری است که به یک سیاست گذاری های امنیتی یا اقتصادی باز می گردد.»



صدای آمریکا با دعوت از «آسیه امینی»، روزنامه نگار و از فعالان حقوق زنان در ایران، ویژه برنامه ای را به مسأله افزایش جمعیت در ایران اختصاص داد. وی در بخشی از گفتگوی خود با این شبکه چنین گفت:

«صرف اینکه ما بخواهیم بر اساس بیانات یک فرد (حالا آن فرد بالاترین مقام رسمی و قانونی کشور باشد) و با خواسته سیاسی برای خانواده ها برنامه ریزی کنیم؛ نمی توان از آن ها انتظار داشت که فرزند تولید کنند صرفاً برای اینکه ما سپاه پر شمارتری در نظام جمهوری اسلامی داشته باشیم.»



نظام سلطه در اقدامی کاملاً هدفمند و هوشمند، جمعیت کشورهای جهان را به دو دسته «جمعیت خوب» و «جمعیت بد» تقسیم نموده و با اعمال مخفیانه سیاست ها و استانداردهای دو و چندگانه درصدد مدیریت و کنترل جمعیت کشورهای شرقی و جوامع مسلمان همچون جمهوری اسلامی ایران بوده است و همزمان هدف اصلاح رفتار فرزندآوری خانواده های خود و افزایش جمعیت کشورهای غربی را دنبال می کند.

کاهش شدید مالیات بر درآمد برای خانواده های فرزنددار، اعطای اعتبار و کمک هزینه های تولد، مهدکودک ها، مراکز نگهداری کودکان و شهریه دانشگاه برای فرزندان و مقررات پذیرش مهاجران خارجی و اعطای اقامت دائم که سالانه با پذیرش حدود ۹۰۰/۰۰۰ مهاجر عملی می شود، از جمله سیاست های حمایتی ایالات متحده آمریکا برای رسیدن به هدف اعلان شده جمعیت ۶۰۰ میلیونی در ۸۰ سال آینده است.



بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی علم اقتصاد، جمعیت را مهم‌ترین مؤلفه و نیروی محرک اقتصاد اعلام می‌کنند و از طرفی برای برخی از کشورهای جهان خصوصاً مسلمانان و علی‌الخصوص ایران، الگوی کاهش جمعیت برای توسعه اقتصاد پیشنهاد می‌شود و دائماً خطر کاهش منابع غذایی و کشاورزی بزرگنمایی و معلول افزایش جمعیت معرفی می‌شود.

این در حالی است که عناصر استکبار فعال شدند تا از منظر اقتصادی شبهاتی را در جامعه مطرح کنند و به هدف تخریب افزایش جمعیت و منصرف ساختن خانواده‌های ایرانی از فرزندآوری برسند.

بررسی برنامه‌های شبکه ماهواره ای صدای آمریکا نشان می‌دهد که این رسانه دولتی در حوزه اقتصادی در موارد ذیل به جنگ علیه مسأله افزایش جمعیت در ایران به پا خواسته است:

01

02

03

شبهات اقتصادی

عقب ماندگی
اقتصادی ثمره
افزایش جمعیت

کیفیت مهم‌تر
از
کمیت

مشکلات معیشتی
و توصیه به عدم
فرزندآوری

عقب ماندگی اقتصادی ثمره افزایش جمعیت



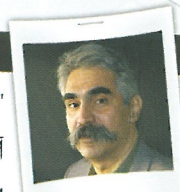
«حسین قاضیان»، جامعه‌شناس و پژوهشگر دانشگاه «سیراکیوز» آمریکا در یکی دیگر از قسمت‌های برنامه «افق» تلویزیون وزارت امور خارجه آمریکا، متذکر شد: «برنامه کاهش رشد جمعیت فقط ناشی از سیاست‌های جمعیتی نبوده، بلکه اوضاع و احوال اقتصادی مردم و واقعیت‌های اقتصادی سبب شده که جامعه ایران رو به پیری رود. افزایش جمعیت مشکل بیکاران را حل نمی‌کند و بلکه مشکلی به مشکل‌های کشور اضافه می‌کند.»



«آرش سیگارچی» مجری و تهیه‌کننده صدای آمریکا، طی گزارشی در مورد جمعیت کشور ایران، علت عدم تمایل زوج‌های ایرانی به داشتن فرزند را دلائلی چون بالا بودن بیکاری گرانی و عدم احساس امنیت اجتماعی، معرفی کرد. وی در تخریب و شبهه افکنی علیه مسأله افزایش جمعیت در ایران، گفت: «مقامات ایران علی‌رغم مشکلات فراوان اقتصادی، کمبود مسکن، آب، تورم و گرانی اصرار دارند که ایران ظرفیت ۱۵۰ میلیون نفر را دارد.» وی همچنین ادامه داد:



«فردی که بیکار است بچه دار شود که چکار کند؟! خوب آن بچه در شرائط خوبی بزرگ نمی‌شود و تبعات اجتماعی برای جامعه حاصل می‌کند.»



"بیژن بیدآباد"، اقتصاددان در بخش دیگر سخنانش در برنامه افق صدای آمریکا گفت: «بخشی از جمعیت فعال ما به عنوان سرمایه انسانی بعد از اینکه تربیت می شوند و به عنوان نیروی کار و مولد به حساب می آیند به خارج از کشور مهاجرت می کنند. بخشی از جمعیت در اثر مهاجرت از دست می رود و اگر هم شرائط توسعه یافتگی باز هم رشد کند و بهتر هم شود مهاجرت به خارج از کشور بیشتر خواهد شد و همچنان نرخ طبیعی رشد جمعیت کشور کمتر خواهد شد.»

وی در ادامه گفت:

«افزایش جمعیت سبب خواهد شد که جمعیت تربیت نشده زیاد شود و جمعیت آموزش دیده و رشد کرده عملاً حجمش در اقتصاد کم شود و این اقتصاد را به فلاکت های بعدی شدیدی می برد.»



"یگانه ارس باران" خبرنگار و تهیه کننده بخش فارسی صدای آمریکا طی گزارشی در مورد افزایش جمعیت ایران گفت: «مخالفان طرح افزایش جمعیت می گویند کیفیت جمعیت مهمتر از کمیت آن است یعنی اینکه افراد به امکانات اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و رفاهی دسترسی داشته باشند و معضلاتی مانند حاشیه نشینی گریبانگیر بخش مهمی از جمعیت نباشد. آن چه در ایران می گذرد نشان می دهد جمعیت فعلی کیفیت چندانی ندارد.»

"بیت الله ستاریان" استاد دانشگاه تهران گفته است ۱۶ درصد جمعیت ایران شبه کپر نشین هستند. به گفته این استاد دانشگاه این میزان به بیش از ۲۰ درصد هم خواهد رسید.

به نظر ستاریان تعداد شبه کپر نشینان در یک جامعه سالم باید حداکثر ۵ درصد از میزان کل جمعیت باشد در غیر این صورت جامعه بجای آن که متمدن شود به قهقرا می رود و قبیله ای می شود. تعداد بیکاران در ایران و چشم انداز ایجاد شغل نیز شاهی است بر کیفیت فعلی جمعیت. در حال حاضر حدود سه و نیم میلیون نفر در ایران بیکار هستند. تعداد زیادی از آن ها جوانانی هستند که در دهه های شصت و هفتاد خورشیدی متولد شدند، سال هایی که حکومت مثل این روزها خواهان افزایش جمعیت بود.»



«آسیه امینی»، شاعر، روزنامه‌نگار و از فعالان جنبش زنان در ایران و یکی از بنیان‌گذاران کمپین قانون «بی‌سنگسار» در گفتگوی تلفنی با صدای آمریکا به مسأله افزایش جمعیت در ایران پرداخت و گفت: «بخشی از این فرزند نخواستن، ربطی به ازدواج و رابطه خانوادگی ندارد. بخشی از این جنین‌ها، جنین‌های خارج از ازدواج هستند که اساساً در تعریف و تمایل حکومت ایران در مورد ازدیاد جمعیت در خانواده نمی‌گنجد.»

آسیه امینی در ادامه پرسید: «جامعه تا چه حد امکانات فرزندآوری را برای زنان فراهم کرده است؟»

وی در ادامه بحث گفت: «آیا مسأله اقتصادی در این زمینه انگاشته شده است؟ آیا رفاه عمومی برای خانواده‌ها و به ویژه برای زنان در این طرح‌های دولتی و حکومتی دیده شده است؟ آیا زنان احساس امنیت شغلی، امنیت جانی، امنیت روانی و امنیت اقتصادی می‌کنند که بخواهند فرزند بیشتری داشته باشند؟!»

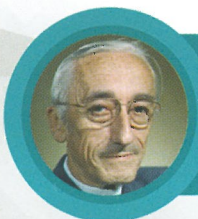
صدای آمریکا در پایان طی گزارشی معضل فرزند نخواستن زنان ایرانی را این چنین مطرح نمود:

«وزارت بهداشت از ثبت صد و نود هزار سقط جنین تنها در سال ۱۳۹۳ خبر داد. کارشناس این وزارت خانه می‌گوید بیشتر زنانی که سقط جنین عمدی داشته‌اند دلیل خود را نخواستن فرزند اعلام کرده‌اند. ۲۰ تا ۳۶ درصد زنان دلایل اقتصادی داشته‌اند و ۵ درصد هم گفته‌اند که بچه دار شدن با تحصیلاتشان تداخل خواهد داشت.»



در بررسی و فهم علل ایجاد سیاست‌های چندگانه جمعیتی در جهان توجه به چند رخداد اجتماعی مفید خواهد بود. طی حدود شصت سال گذشته و به دنبال نمایان شدن آثار و تبعات کاهش شدید نرخ رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای غربی و آمریکا و ادامه رشد جمعیت در کشورهای شرقی و اسلامی و همچنین در پی تبدیل شدن جمعیت به یکی از مؤلفه‌های بسیار راهبردی قدرت و تمدن، دوره نوینی از سیاست‌ها و استانداردهای چندگانه جمعیتی در جهان آغاز شد. در این دوره بود که نظام سلطه بین‌المللی در حالی که کشورهای به اصطلاح کمتر توسعه‌یافته را با ابزار سازمان‌های بین‌المللی به کنترل جدی جمعیت ترغیب و تشویق می‌کردند، خود در کشورهاشان سیاست‌های تشویقی مهمی را برای ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری بیشتر و افزایش جمعیت در پیش گرفتند.

«ژاک کوستو» بوم‌شناس و محقق فرانسوی سال ۱۹۹۱ در مصاحبه با مجله «یونسکو کوریر» درباره لزوم مدیریت دوگانه جمعیت جهانی می‌گوید:



«خیلی بد است که مجبوریم این را بگوییم، اما جمعیت مفید دنیا باید تثبیت شود و به این منظور، باید روزی ۳۵۰ هزار نفر از جمعیت غیرمفید را حذف کنیم.»

صدای آمریکا نیز به عنوان یکی از بازوهای رسانه ای این طرز تفکر به دنبال حذف جمعیت ایران که از منظر جبهه استکبار و صهیونیست غیر مفید و بلکه مضر است، می باشد. به همین دلیل شبهاتی در حوزه اجتماعی مطرح می کنند تا از افزایش جمعیت ایران جلوگیری نمایند. شبهات زیر از جمله مواردی است که بخش فارسی رسانه دولتی صدای آمریکا به بهانه طرح مسأله افزایش جمعیت در ایران مطرح می کند تا بلکه بتواند زوج های ایرانی را از فرزندآوری منصرف سازد.



دکتر "هوشنگ امیراحمدی"، استاد توسعه بین الملل دانشگاه "رانگروز" آمریکا و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه از طریق اسکایپ با برنامه افق صدای آمریکا ارتباط برقرار کرد و در مورد سیاست های جمهوری اسلامی در زمینه افزایش جمعیت گفت: «متأسفانه جمهوری اسلامی از همان ابتدا در این رابطه (افزایش جمعیت) بیراهه رفت. یادم هست زمان جنگ ایران با عراق بود که سیاست دولت، افزایش جمعیت بود و یک جریان بسیار عظیمی در کشور راه افتاد که این جمعیت باید به سرعت زیاد شود.

برای اسلام در آن زمان سرباز می خواستند. زمانی که جمعیت رشد بسیار کرد بعد، بازی برگشت و یک برنامه بسیار مفصل خانواده مطرح شد و دولت رفت به سوی کنترل جمعیت و تصادفاً بسیار هم موفق شد که جمعیت را کنترل کند و نرخ رشد به چیزی در حدود ۱/۷ درصد رسید که در واقع تقریباً برابر نرخ رشد متوسط دنیا بود.»

فرض کنید اگر جوانان بیکار ما، هر کدام سه یا چهار بچه بیاورند بعد ۲۰ سال دیگر شما یک جمعیت صد و خورده ای میلیونی دارید که این جمعیت چون از این جوانان بیکار بوجود آمدند اکثرشان بی سواد، بیمار خواهند بود و از نظر بهداشتی وضعیتشان بسیار بد خواهد بود. یک نیروی بسیار به هم ریخته ای در جامعه ایجاد خواهد شد. یعنی آن نیروی سالمی را که باید جوان امروز به وجود بیاورد با توجه به این شرایط بوجود نمی آید.»



"صدای آمریکا" در برنامه "افق" با دعوت از کارشناسان حوزه های مختلف به مسأله افزایش جمعیت در ایران پرداخت.

این برنامه با اجرای "سیامک دهقانپور" که البته مدتی است به خاطر

اختلافاتش با مدیران VOA (صدای آمریکا) از این تلویزیون جدا شده است، سعی داشت تا به گونه ای، افزایش جمعیت در ایران را یک طرح از پیش شکست خورده معرفی کند و جامعه ایران را نسبت به این طرح ناامید سازد.

دهقانپور با دعوت از دکتر "حسین قاضیان"، جامعه شناس مقیم واشنگتن در برنامه خود، نظری را در مورد افزایش جمعیت ایران جویا شد. قاضیان یکی از دلایل کاهش رشد جمعیت در ایران را پدید آمدن ارزش های جدید در جامعه مثل اهمیت پیدا کردن آموزش بیشتر فرزندان، اهمیت حقوق کودکان و همینطور اهمیت کیفیت زندگی دانست.



دکتر "جلال ایجادی"، جامعه شناس و استاد دانشگاه پاریس که از طریق اسکایپ در یکی از برنامه های "روی خط" صدای آمریکا ارتباط برقرار کرده بود در مورد مسأله مدیریت جمعیت چنین گفت:

«در مسأله مدیریت جمعیت باید به دو ویژگی توجه کنیم. اول اینکه بررسی مسأله جمعیت از نظر ساختاری؛ یعنی میزان زاد و ولد، میزان مرگ و میر، میزان رشد گروه های سنی و اینکه هر کدام در مجموعه های خودشان بتوانند خود را بازسازی کنند و ضریب جانشینی داشته باشند و بتوانند نسل های بعدی را تجدید کنند. دوم اینکه بررسی مسأله جمعیت از منظر کیفیت؛ یعنی آیا مجموعه جمعیتی که در یک مملکت زندگی می کنند از نظر مسائل مربوط به بهداشت، مسکن، زندگی افراد، اضطراب و... در شرائط مناسبی هستند یا خیر؟ من فکر می کنم ایران در هر دو زمینه با مشکلات و دشواری های عدیده ای مواجه هست و در هر دو زمینه مدیریت خوب انجام نمی گیرد.»



"نورا شاهسون"، تهیه کننده و خبرنگار صدای آمریکا ضمن تحلیل و بررسی پیامدهای افزایش جمعیت در ایران، گزارش داد: «ایران هفدهمین کشور پر جمعیت جهان شناخته می شود. درواقع ایران ۱/۸ درصد از جمعیت جهان

را به خود اختصاص داده است. رهبر جمهوری اسلامی می خواهد جمعیت کشور باز هم بیشتر شود. دلیل آن هر چه که باشد در حال حاضر کیفیت زندگی در جهان اهمیت یافته و رهبران کشورها بیش از آنکه بر زیاد شدن جمعیت تأکید کنند در پی افزایش کیفیت زندگی جمعیت موجود هستند. کیفیت زندگی شاخصی اقتصادی و اجتماعی است که در سال ۲۰۰۵ میلادی توسط واحد اطلاعاتی اکونومیست و به منظور رتبه بندی کشورها معرفی شد. بر اساس این شاخص بالاترین کیفیت زندگی در سال ۲۰۱۳ در سوئیس و به دنبال آن در استرالیا و نروژ به ثبت رسیده است. ایران هم از نظر کیفیت زندگی از میان هشتاد کشوری که مورد بررسی قرار گرفته اند رتبه ۵۸ را به خود اختصاص داده است. جدول رتبه بندی نشان می دهد از ۲۰ کشوری که در بالای جدول رتبه بندی هستند جمعیت ۱۸ کشور از ایران کمتر است. به این ترتیب شاید بتوان گفت که مردم کشورهای کم جمعیت تر زندگی با کیفیت تری را تجربه می کنند.»





"شیده رضایی" خبرنگار صدای آمریکا طی گزارشی راجع به موضع گیری سازمان عفو بین الملل در رابطه با تصمیم رهبر جمهوری اسلامی بر افزایش جمعیت ایران گفت: «سازمان عفو بین الملل می گوید در صورت اجرایی

شدن طرح افزایش جمعیت در ایران نه تنها دسترسی زنان ایرانی به وسائل پیشگیری از بارداری محدود می شود بلکه به تبع آن موقعیت زنان در بازار کار نیز متزلزل خواهد شد. به گفته این سازمان دولت ایران در تلاش است که زنان جوان ایرانی را از انسان امروزی و صاحب اختیار به ماشین جوجه کشی بدل کند.»

"رها بحرینی"، نماینده سازمان ملل با حضور در این برنامه گفت: «مقامات ایرانی می خواهند در درجه اول عقیم سازی اختیاری زنان را ممنوع کنند. جالب است که بدانیم این روش در ایران پرتعداد است و رتبه دوم را پس از قرص ضد بارداری دارد. آن ها همچنین در پی محدود کردن دسترسی زنان به آموزش های بهداشت باروری، خصوصا تنظیم خانواده هستند. این تغییرات اثر قابل ملاحظه و منفی بر سلامت مادران دارد. زنان در این صورت چاره ای جز مواجهه با حاملگی ناخواسته و مقابله با آن از طریق سقط جنین ندارند.»

رها بحرینی، پژوهشگر و نماینده سازمان ملل

«سرانجام زنان از بازار کار ایران حذف خواهند شد. پیشنهاد دهندگان لایحه همچنین به دنبال سخت تر کردن تشریفات طلاق هستند. این در حالی است که زنان ایرانی حتی در حال حاضر هم از حقوق مساوی با مردان در حق طلاق برخوردار نیستند.»



"آرش سیگارچی" یکی دیگر از عوامل رسانه دولتی ایالات متحده بود که در یکی از گزارش های خود به انتقاد سازمان عفو بین الملل از سیاست های افزایش جمعیتی جدید در ایران پرداخت و گفت: «عفو بین الملل می گوید

طرح مجلس ایران، حق زنان را در برخورداری از بهداشت جنسی و باروری نقض می کند. رهبر جمهوری اسلامی ایران معتقد است ایران ظرفیت داشتن جمعیتی بیش از ۱۵۰ میلیون نفر را دارد. یک بار پیش از این در ابتدای سال های بعد از انقلاب و همزمان با جنگ عراق با ایران مقام های حکومت ایران به افزایش جمعیت تأکید داشتند که عوارض آن تا به امروز باقی مانده است.

عفو بین الملل می گوید این رویه جدید حکومت ایران موجب می شود که بازار کار برای زنان بدون فرزندان محدودتر شود (مصوبه مجلس) و این زنان با مشکل بیکاری روبرو شوند. همچنین پلیس و قوه قضائیه را به دخالت در اختلاقات زناشویی از جمله مواردی که با خشونت علیه زنان همراه است تشویق می کنند.





«علی طائفی»، جامعه شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی از استکهلم، طی تماس اسکایپی در یکی دیگر از قسمت های برنامه افق صدای آمریکا حضور پیدا کرد و گفت: «مقوله افزایش جمعیت مقوله فی نفسه مقدسی نیست. ما باید ببینیم جامعه انسانی را بر اساس چه منابعی می خواهیم تأمین کنیم. ما الان با اضافه جمعیت روبرو هستیم. اضافه جمعیتی که منابع موجود در کشور اعم از منابع کشاورزی یا منابع نفتی پاسخگو نخواهد بود. سیاست افزایش جمعیت به این سادگی ها رخ نخواهد داد. چرا که دلائل اساسی و زیرساختی برای این مسأله وجود دارد. اولین نکته این است که اساسا مردم نسبت به دوران قبل به مراتب نگاه واقعی تری پیدا کردند یعنی سبک زندگی مردم اصلا متفاوت شده است. پس از انقلاب نهاد خانواده دستخوش تغییرات جدی شده است. ارکان خانواده را اگر یک مرد، یک زن و فرزندان حساب کنیم پیش از این مردها کنش گرای اصلی خانواده بودند ولی امروز زنان و کودکان کنش گران دوم و سوم هستند. در مواردی می توانیم اینگونه اعلام کنیم که حتی کودکان کنش گر اصلی و اول هستند بعد کنش گران دوم ما زنان هستند.»



فاکتور بعدی در این ارتباط این است که اساسا تجربه زیستی ما بزرگسالان هم تأثیرگذار است. من خودم از یک خانواده پر جمعیت هستم همیشه این سوال را دوران کودکی از پدر و مادر می کردیم که چرا شما کمیت را ترجیح بر کیفیت دادید؟ این سوال در بین بسیاری از خانواده ها مطرح است.

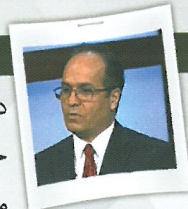


این افراد وقتی بزرگسال می شوند، نسل های جدیدی می آیند و فرزند زایی می کنند طبیعتا مراقبت می کنند. به دلیل اینکه این را واقف شدند و تجربه کردند که افزایش جمعیت و کمیت لزوما کیفیت را به دنبال نمی آورد و برعکس سبب کاهش کیفیت می شود. نکته بعدی نقش زنان در جامعه ما، افزایش دانش و آگاهی زنان از مناظر مختلف، از منظر اجتماعی، آگاهی جنسی، آگاهی جنسیتی و آگاهی فرهنگی سبب این شده که زنان ما به راحتی تن به ازدواج نمی دهند و به راحتی تن به فرزندآوری نمی دهند و دیگر آن که از روش های پیشگیری استفاده می کنند. حتی اگر این سیستم، وسائل پیشگیری را ممنوع کند مثل تمام کالاهای ممنوعه دیگر، باز این ها هم وارد خواهد شد. سن ازدواج در کشور بالا رفته است. نرخ تجرد در کشور افزایش پیدا کرده است. این سن و نرخ را به این راحتی نمی شود پایین آورد. این فتیله چراغ نیست که به راحتی بتوان با آن بازی کرد. نرخ زاد و ولد در کشور یک سبک زندگی است. متأثر از شرایط اقتصادی بالا و پایین می رود و لزوما تن به حوزه ها و زیر ساخت های فرهنگی نمی دهد بلکه متأثر از شرایط علمی و اقتصادی و زندگی روزمره مردم است. مردم ایران اجازه نمی دهند آثار باورهای دینی تأثیر بر نرخ زاد و ولدشان بگذارد یا احیانا سبک زندگیشان؛ به همین خاطر عرض می کنم که گرایش به غیر دینی شدن در جامعه، سکولاریزم در جامعه و در کنار آن پدیده فردگرایی یعنی اعتقاد به حقوق فردی در جامعه و اینکه زنان به این پی بردند که احیانا حتی اگر حق فرزند آوری در اختیارشان نباشد و یا بخواهند در آینده فرزند را بیاورند، حق حضانت را هم می خواهند.

تناقضات جدی ساختاری مانع از این می شود که یک زن تن به آوردن یک فرزند جدید دهد. عوامل اجتماعی و فرهنگی سبب ساز این شدند که اندیشه کاهش نرخ زاد و ولد در کشور امروز یک پدیده جدی شده است.»



دکتر "محمد کاظم عطاری" مدیر پایگاه اطلاع رسانی پزشکان ایران، که در استودیوی صدای آمریکا در واشینگتن دی سی حاضر شده بود در مورد بحث افزایش جمعیت ایران مدعی شد: «بر اساس پیش بینی سازمان ملل جمعیت ایران رو به کاهش نیست بلکه طی چند سال آینده، افزایش جمعیتی تا حدود ۱۰۰ میلیون قابل انتظار خواهد بود. ما خیلی نباید نگران صحبت مسئولین باشیم چرا که مردم آن اعتماد کافی را ندارند که بخواهند بر اساس مثلاً صحبت مسئول نظام تغییری در جمعیت خانواده بدهند. آن چه که در واقع تأثیر می گذارد، تصمیم خانواده ها و شرائط عینی جامعه است. نکته دیگر اینکه تعریف سالمندی در حال تغییر است. یعنی آن جمعیتی که ما انتظار داریم به عنوان نیروی کار در جامعه باشد الان در حال تغییر است. ما می بینیم که در آمریکا افراد بالای شصت سال هم به عنوان مهمان دار در هواپیما خدمت می کنند یا در جاهای دیگر؛ این نشان می دهد که نیرویی که در حال حاضر برای ایران مهم هست و نگرانی برای مسئولین ایجاد کرده نیروی جوانی هست که بتواند در منازعات مورد استفاده قرار گیرد نه به عنوان نیروی کار؛ وگرنه افراد در سن ۴۸ سالگی که در اوج فعالیت و کارآفرینی است بازنشست می شود و از چرخه کارآفرینی خارج می شود. زمانی که این سیاست ها بر مبنای ذهنی ۳۰ سال پیش باشد ما برای آینده نگران می شویم. اصولاً اقدامات پزشکی هم هیچگاه متوقف نخواهد شد یعنی اینکه اگر صرفاً از نظر قانون بخواهیم اعمال پزشکی را ممنوع کنیم تنها اتفاقی که می افتد این است که از حالت علنی بودن و ظاهری به حالت خفاء کشیده می شود و پنهانی انجام می شود. خطرهای این پنهانی شدن درست منجر می شود به اتفاقاتی که در سال های ۶۰ یا اوائل دهه ۷۰ افتاد و سقط جنین و... که اجتناب ناپذیر است و رواج پیدا خواهد کرد.



در پشت ماجرای طرح افزایش جمعیت این است که نگرانی از کاهش جمعیت و نیروی کار در آینده نیست و بلکه بیشتر بخاطر محدود کردن منابع مالی سیستم بهداشتی و درمانی کشور است و به این وسیله می خواهند منابعی را که باید صرف تنظیم خانواده و یا بهداشت شود حذف کنند و در پی آن سیستم بهداشتی و درمانی خصوصاً در روستاها و مناطق دور افتاده ناکارآمدتر خواهد شد و دچار مشکلات عدیده بهداشتی خواهیم شد.

فهرست

۱ معرفی اجمالی بخش فارسی صدای آمریکا

۳ مدیران

۴ برخی از عوامل بخش فارسی صدای آمریکا

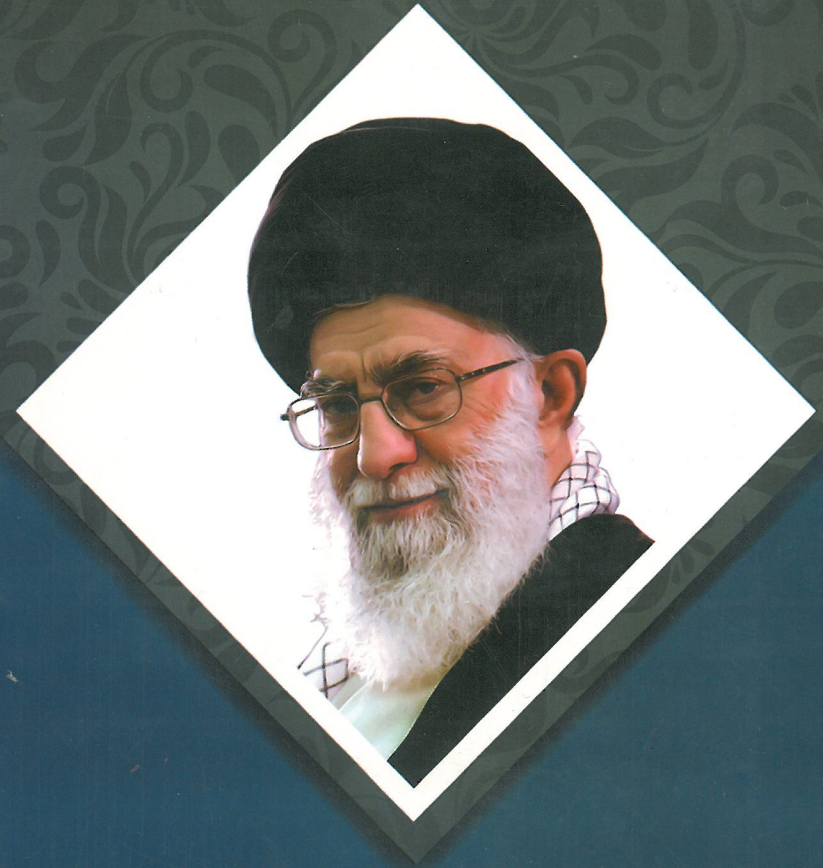
۵ معرفی بخش فارسی صدای آمریکا

۶ رویکرد صدای آمریکا در مقابل افزایش جمعیت ایران

۸ سیاسی

۱۵ اقتصادی

۲۱ اجتماعی



من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام؛ پیر شدن
کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از
همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد،
وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج
نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.

یازدهم اردیبهشت ۹۲

این سخن را

Jamiat1404@gmail.com